بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و ال محمد و عجل فرجهم

( فصل فی المطهرات : الشمس - التمسک بالاستصحاب التعلیقی لتطهیر الحصیر و البوریا و الاشکال علیها - مبانی فی الاستصحاب التعلیقی - نظر استاد - شرایط مطهریت شمس )

در بحث گذشته نسبت به مطهریت شمس از منقولات متنجس دو چیز استثناء شد یکی حصیر و دیگر بوریا ؛ که با تابش خورشید قابلیت برای تطهیر را دارند و مستند ما عموم خبر ابی بکر حضرمی بود اما برخی از فقها استصحاب تعلیقی را دلیل بر مطهریت شمس از حصیر و بوریا گرفتند مثل اقای خویی و حکیم به این صورت که زمانی که حصیر و بوریا از زمین می روید اگر نجس شود با تابش خورشید پاک می شود حال وقتی که بریده شد و برای بافتن حصیر اماده شد شک می کنیم که آیا با تابش خورشید پاک می شود یا نه ؟ استصحاب مطهریت که مربوط به حالت نباتیه است جاری میکینم و میگوییم اگر نبات بود و وصل به زمین به توسط خورشید پاک می شد الان هم که از زمین بریده شد شک می کنیم که آیا پاک می شود یا نه استصحاب طهارت جاری می کنیم مثل العنب اذا غلی یحرم حالا که آب انگور شد اگر جوش آید نجس هست یا نه ؟ استصحاب حرمت جاری می شود که اگر این انگور جوش می آمد حرام می شد حالا هم که آب انگور است اگر جوش آید نجس می شود و حرام است ( استصحاب تعلیقی اگر دارد )

جواب استاد : درباره استصحاب تعلیقی مبانی علمای اصول مختلف است

مبنای اول : عده ای آن را جاری نمی دانند

مبنای دوم :عده ای در مثل این مثال قائل به تعدد مو ضوع اند که این حصیر با آن گیاه دو تا موضوع اند و وحدت ندارند

مبنای سوم و هو المختار :عده ای جاری میدانند اما با استصحاب تنجیزی در تعارض است ، استصحاب تنجیزی بقای نجاست حصیر هست که با استصحاب مطهریت شمس برای حصیر در تعارض است و هر دو استصحاب تساقط و مرجع عموم یا اطلاق ادله شستن نجس به وسیله آب است و برخی همین جا قاعده طهارت جاری می کنند که درست نیست

مبنای چهارم : در احکام کلیه، استصحاب جاری نیست ( مراجعه به کفایه در تنبیه پنجم شود )

بحث دیگر : اگر کشتی یا قایق یا گاری و امثال این مَرکبها نجس شود آیا با تابش خورشید پاک می شود یا نه ؟ مرحوم سید در جواب این سوال می نویسد اشکالٌ ؛ یعنی از یک جهت عموم روایت حضرمی که می گوید کلما اشرقت علیه الشمس این عام منصرف است به اموری که ثابت است یا جزیی از ثابت است که خورشید آنها را پاک می کند اما مرکب های متحرک ، عموم روایت از مرکبها انصراف دارد و از جهت دیگر کلمه السطح یا الموضع القذر یا المکان الذی یصلی فیه امده که شامل انواع مرکبها می شود چه دریایی و چه خشکی لذا فرمود درباره مطهریت خورشید مشکل است فتوی بدهیم

نظر استاد : باید بین مراکب تفصیل داد که اگر بزرگ بود مثل کشتی و قایق که قابلیت نماز خواندن را دارد با تابش خورشید پاک می شود چرا که عنوان المکان الذی یصلی فیه شاملش می شود اما اگر مرکبها صغیر بودند احتیاط این است که خورشید را مطهر ندانیم چون عنوان فوق بر آن صدق نمی کند مثل گاری و درشکه

نکته بعدی : شرایط مطهریت شمس :

شرط اول : رطوبت مسری باشد ، که در این شرط دو قول هست : برخی قائل به اشتراط رطوبت مسریه در متنجسات اند و برخی قائل به عدم اشتراط آن هستند یعنی آنجایی که شمس می تابد لازم نیست به حدی مرطوب باشد که به لباس سرایت کند بلکه نَمِی ، هم باشد کافی است و حق همین است چون عمده بحثی که در روایات آمده جفاف است یعنی خورشید موضع متنجس و شیی که نجس است را خشک کند و فرقی نمی کند آن محل خیلی مرطوب باشد یا نمی ، داشته باشد چنانچه در بیان امام در صحیحه زراره بود که اذا جففته الشمس فصل علیه

إن قلت : در موثقه عمار تعبیر به یبوست شده به جای جفاف که فاصابته الشمس ثم یبوسة .... نسبت بین تجویف و یبوست عموم من وجه است تجویف شامل رطوبت مسریه می شود و یبوست فقط شامل نم ، می شود لذا اگر بخواهیم اکتفا به نم ، بکنیم فقط باید به روایت یبوست عمل شود اما اگر بخواهیم به رطوبت مسریه عمل کنیم باید به روایت جفاف پرداخته شود و اگر به روایت جفاف پرداخته شود لازم اش این است که اگر در مکانی که روطبتش مسری بود و خورشید بتابد و مسری بودنش از بین برود و نمی ، باقی بماند صدق می کند که این مکان خشک شده و حدیث جففته الشمس این مکان را شامل می شود اما اگر به حدیث یبوست بخواهیم عمل کنیم باید رطوبت کامل از بین برود حتی نم آن حال دلالت کدام را عمل کنیم ؟

قلت : بین این دو روایت جمع می کینم انهم به سه صورت :

جمع اول : یبوست و جفاف را مترادف بدانیم مثل برخی از لغویین

جمع دوم :

روایت جفاف را حمل بر یبوست کرد چون امکان ندارد مکان بولی اگر مورد تابش خورشید باشد و نمی(رطوبت) ، داشته باشد نمی شود نم(رطوبت) بول را حمل بر طهارت کنیم پس جفاف را باید حمل بر یبوست کرد

جمع سوم : بگوییم که مکان مرطوبی که مسری است اگر نمش باقی بماند با تابش خورشید پاک می شود و آنجایی که رطوبتش مسری نیست در صورتی پاک می شود که نم آن از بین برود و این هم قائل ندارد و لذا حق قول دوم است

شرط دوم : خشک شدن مکان نجس به وسیله تابش خورشید باشد نه بوسیله باد یا کشیدن کهنه باشد چنانچه موثقه عمار و صحیحه مسلم دلالت دارد که اذا جففت الشمس فصل علیه فهو طاهر باید خورشید بخورد لذا اگر هوا ابری بود و خورشید نتابید پاک نمی شود

شرط سوم : بین آن موضع نجس و تابش خورشید حجابی و مانعی نباشد چون اشراق و تابیدن صدق نمی کند انچه در روایت آمده اشراق و اصابه خورشید است و با وجود این حجابها و مانع ها اصابه و اشراق خورشید صادق نیست ، حالا اگر قدری خورشید بتابد و قدری باد بوزد و مشترکا آن مکان نجس را خشک کنند در صورتی که باد کم باشد اشکالی ندارد اما اگر باد شدید و زیاد باشد پاک نمی شود لذا شرط است که خورشید مستقلا خشک کند

حال اگر خورشید به آینه و شیشه بتابد و منعکس به آن محل شود پاک نمی کند چون اصابه و اشراق خورشید صدق نمی کند اما اگر خورشید مستقیما از شیشه بتابد آن محل نجس را پاک می کند